

جایگاه شریعتی در ادبیات معاصر فارسی



آتینا محفوظی

پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

دیباچه

دکتر شریعتی همان دردمند دردآشنا که قلم توتم او بود، از چهره‌های روشن‌بین و روشنگر در تاریخ معاصر ایران به شمار است. شریعتی علاوه بر اشتها به سهم داشتن در وقوع انقلاب اسلامی، به دلیل کارنامه پربارش در احیای مذهب و سنت در جامعه و بیدارگری و تبدیل دین به ایدئولوژی نیز شهرت داشته است. دکتر علی شریعتی در میان اهل‌قلم، از جمله نویسندگان فعالی بود که در فرصتی بسیار کوتاه، فراتر از زمان خویش، چندین اثر شگرف و جاوید از خود به جا گذاشت. شیوه^۴ نویسندگی و نثر بلیغ او در کنار محتوای انسانی آن سبب شده است که آثار وی پر خواننده‌ترین کتاب‌ها در میان نسل جوان جامعه ما باشد. او از ادبیات به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال آرمان‌ها و افکار خویش به مخاطبان، به‌خصوص جوانان، به نحو احسن استفاده کرد.

مقدمه

علی شریعتی مزینانی، زاده^۴ دوم آذرماه 1312 در روستای مزینان سبزوار و درگذشته در 29 خرداد 1356 در ساوت همپتون انگلستان، نویسنده و جامعه‌شناس و پژوهشگر دینی اهل ایران از مبارزان و فعالان مذهبی و سیاسی و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی بود. شریعتی نگرشی نوین به تاریخ و جامعه‌شناسی اسلام عرضه کرد. او بازگشت به تشیع حقیقی و انقلابی را نیرویی برای تحقق عدالت اجتماعی قلمداد می‌کرد. وجود تفکر خلاق باعث شد که شریعتی در طول دوران تحصیل در دانشکده ادبیات به انتشار آثاری چون ترجمه «ابوذر غفاری»، «نیایش» اثر الکسیس کارل و یکرشته مقاله‌های تحقیقی در این زمینه همت گماشت؛ وی با آثار متنوع خود که در زمینه‌های گوناگونی چون انسان، تاریخ، فرهنگ، تمدن، جامعه و... به نگارش درآورد، انقلاب

فکری عظیمی ایجاد کرد و با آگاهی دادن جوانان، آنان را از غفلت و پوچی رها نید. رشته تحصیلی ایشان ادبیات بود اما فضایی که او در آن به سر می برد فضای ادبیاتی نبود. پدرش عالم دینی و مبارز بود و او با مفاهیمی دینی سروکار داشت، پس با اینکه رشته اش ادبیات بود، ولی اختصاصاً در ادبیات کار نکرد. شریعتی ادبیات را به عنوان وسیله^۱ انتقال افکار و اندیشه هایش به کار می گرفت که در حوزه های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی متمرکز بود. شریعتی، نه صرفاً یک ادیب که یک مصلح اجتماعی است و در سخنرانی های او ادبیات نمود زیادی دارد.

بستر اندیشه ای دکتر علی شریعتی

با دقت و تأمل در شیوه^۲ بیان اندیشه ها و مفاهیم ذهن خلاق نویسنده^۳ توانمندی چون دکتر شریعتی، می توان گفت بین سبک آثار مختلف او و اندیشه هایش ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ اندیشه های دکتر علی شریعتی، اندیشه - باورهای است برآمده از یقین و انتقاد. او در دفاع از این اندیشه ها و اثبات آن ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. زندگی او عجین شده با آرمان ها و باورهایش بود و این موضوع نشان از همین کوشش پیوسته دارد. پیشاپیش باید گفت که شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دورانی که شریعتی در آن می زیست، در منش، روش و شخصیت فردی وی تأثیر داشت. سخن گفتن از اندیشه های او مستلزم سخن گفتن از این شرایط است. چراکه این شرایط و عوامل و نیز سایر عوامل، با هم سازنده وجود آدمی هستند. حکومت، تابع دستور قدرت های بیگانه بود. صاحبان زر و زور، قدرت را به دست گرفته بودند و دم از انسانیت می زدند. مدعیان تشیع صفویه و روحانیت، لباس دین را بر تن کرده با تبلیغات سوء خود، مردم را از حقیقت اسلام دور و متوجه امور فرعی کرده بودند. از این رو شریعتی باور داشت مذهب دچار آسیب شده و باید آفت زدایی شود. او چنین مذهبی را عامل رکود و خمودگی احساس و اندیشه آدمی می دانست و معتقد بود مذهب باید اصلاح شود و اسلام از خرافه ها و انحرافها پیراسته گردد. او به عنوان جامعه شناسی متفکر در بطن جامعه قرار داشت و با چشم خود شاهد رنج های قشر مستضعف، طبقات محروم و ستم دیده و روی گردانی جوانان از دین اسلام بود. او خود را مسئول و ملتزم می دانست که در پی چاره جویی برآید و زمینه^۴ تحول اساسی را فراهم کند و قلم را وسیله^۵ این کار قرار داد. به همین دلیل است که با ایجاد نهضت فکری و ایدئولوژی خود، جوانان را به مبارزه با رژیم شاهنشاهی فراخواند و از این رو است که لقب معلم انقلاب را از آن خود ساخته است. دکتر شریعتی به مثابه روشنفکری مذهبی، زبان گویای دوره خویش بود. او با سخنان اندیشمندانه^۶ خود در پی بیدار کردن مردم و آگاهی بخشیدن به

آنان بود؛ او به مردم خویش فهماند که نباید به هیچ‌وجه با زرمندان و تزویر گران ستم‌پیشه و فریبکار سازش کرد و با سکوت خود فضا را برای ستمگری‌ها و طغیان گری‌های هرچه بیشتر آنان فراهم نمود. همچنین او برای جلوگیری از تباهی نسل جوان و هدایت آنان، ندای بازگشت به خویشتن خویش را سر داد و با فعالیت‌های خود مانع اقدامات مخرب سه گروه انسان کُش‌زر و زور و تزویر شد؛ بنابراین، سه جنبهٔ فکری شریعتی، ستیزه‌گری با صاحبان زر، زور و تزویر است. او در مدت زندگی خویش با قلم سحرانگیز و زبان شیوا و دل‌نشین خود در معرفی و نفی این سه عامل مهم تلاش کرد. او تزویر را عامل رکود باورها و اندیشه‌ها و بازدارندهٔ پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانست. شریعتی برای رسیدن به اهدافی که باور داشت، در تمام سخنرانی‌ها و کتاب‌های خود به سه دسته ثروتمندان، زورمندان و ریاکاران می‌تاخت و آنان را سخت نکوهش می‌کرد.

ستیز با شاعران غیر مردمی که از ویژگی‌های فکری آثار دکتر شریعتی است، در سبک آثار او انعکاس یافته است. شایان‌ذکر است که این وجه از اندیشه‌های او تنها در کتاب «هبوط در کویر» و «نامه‌ها» منعکس شده است. دکتر شریعتی معتقد است هر شاعر یا نویسنده‌ای باید از دردها و مشکلات مردم آگاه باشد و آثار خود را در خدمت اجتماع قرار دهد. او همچنین در آثار خویش، بینش تازه‌ای به مردم ارائه می‌دهد و آنان را به سوی کمال و عظمت روح و اندیشه و احساس سوق می‌دهد. آزادی در اندیشه شریعتی به مفهوم رهایی انسان از قیدوبندهای جبر تاریخ، جبر طبیعت و جبر محیط است. او مطابق با دین اسلام و خلاف تمام مکتب‌های غربی اعلام می‌کند که انسان مختار و آزاد آفریده شده است و مسئول اعمال خویش است. وی معتقد است که انسان تنها موجودی است که با آگاهی و خودآگاهی و نیز اعتقاد به باری‌تعالی و تمسک به دین اسلام می‌تواند خود را از جبر حاکم بر تمام پدیده‌های طبیعی رها کند و با دست خویش سرنوشت خود را بسازد. شریعتی با روحیه ضد استبدادی خود، تفکر ضد سرمایه‌داری، ضد زور و تزویر را از طریق نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود به جوانان انتقال داد. اگر افکار او از طریق آثارش به مردم منتقل نمی‌شد تداوم انقلاب صورت نمی‌گرفت و یا به‌سوی دیگری متمایل می‌شد.

شخصیت اخلاقی دکتر شریعتی

تواضع و فروتنی که از جمله خصلت‌های نیک دکتر شریعتی بود در سبک آثار او بسیار تأثیر داشته به‌طوری‌که در جای‌جای آثار خود عنوان کرده که یکی از رعایای این مملکت است. او ذاتاً انسانی متواضع بود اما در برابر عناصر مخرب جامعه هیچ تواضعی از خود نشان

نمی‌داد و حتی در برابر اعمال تبهکارانه آنان قاطعانه و محکم ایستاد و به ستیز با آنان برخاست. شهرت‌گریزی از جمله ویژگی‌های اخلاقی شریعتی بود که در نتیجه در بیان وی نیز تأثیر داشته است؛ به صورتی که در جای‌جای آثارش با عدم توجه او به مقام و منصب دنیایی روبه‌رو می‌شویم. تعهد و مسئولیت در قبال مردم نیز از جمله ویژگی‌های شخصیتی بارز دکتر شریعتی بود که در سبک آثارش نیز تأثیر داشته است. او در قبال تبعیضها و بی‌عدالتی‌هایی که حاکمان وقت بر مردم مستضعف و فقیر روا می‌داشتند خود را مسئول و متعهد می‌دانست و معتقد بود رسالتی بر دوشش است که باید به انجام برساند حتی تا پایان مرگ. شریعتی از اینکه زنده باشد و برای مردم و جامعه کاری نتواند بکند احساس شرمندگی می‌کرد. دکتر شریعتی نویسنده‌ای مخلص بود که عمل خود را خالصانه برای خلق و در راه حق می‌خواست. این ویژگی شخصیتی در سبک آثارش بی‌تأثیر نبوده است؛ او همچنین با بیانی ساده و شفاف و به‌دوراز ابهام می‌نوشت و برای باورهای خودکار می‌کرد. دکتر شریعتی آثار خویش و کلمات به‌کاربرده شده در آنها را پاره‌های جان، شعله ایمان و ناله‌های درد خویش می‌خواند نه وسیله‌ای برای کار و کسب رایج در بازار دین و دنیا. او ارزش بسیاری برای نوشته‌های خویش قائل بود و حق آنها را عشق خون و خدا می‌دانست. شریعتی فردی خلاق خوش‌رفتار، صادق و هوشیار تحلیل‌گر، واقع‌بین، مردم‌گرا، درست‌کار و ... است. با توجه به مهارتی که در عرصه نویسندگی داشته به‌خوبی توانست اندیشه‌های خود را در قالب زبانی سخته و سنجیده به مخاطبان خودالقا کند و تأثیر بسزایی بر آنان بگذارد.

دکتر شریعتی به‌عنوان معلم انقلاب و همچنین نویسنده انقلاب با بیدارگری و دعوت مردم به ستیز با سه گروه مصیبت‌بار تاریخ یعنی صاحبان زر، زور و تزویر، نقش مهمی در هدایت جوانان و مردم به سوی مکتبی تکان‌دهنده ایفا کرد.

بستر اجتماعی ادبیات دکتر شریعتی

در تمام دوره‌های تاریخی متناسب با روابط اجتماعی و چگونگی فرهنگ هر جامعه‌ای، دارندگان و به‌کاربرندگان زر و زور و تزویر، همواره کوشیده‌اند منابع انسانی، فرهنگی و طبیعی مردم جامعه خویش و یا دیگر جوامع را غارت کرده و آنان را تحت سلطه خود درآورند. با همه این‌ها، در سوی دیگر، در هر جامعه‌ای انسان‌های روشن‌فکر و دردآشنایی هستند که علیه این قدرتها به پا می‌خیزند و مردم را از اعمال تبهکارانه صاحبان زر و زور و تزویر آگاه می‌کنند و با برپایی نهضت‌های فکری و فرهنگی مانع اقدامات مخرب آنان می‌شوند. دکتر علی شریعتی، از شمار انسان‌های روشن‌فکر متعهد و آگاهی است که با هوش و

ذکاوت خود حقایق را دریافت و آشکار کرد و با ایجاد رنسانسی اسلامی و تجدید حیات ایدئولوژیک دینی مردم را در جهت رسیدن به آزادی، آزادگی و رهایی از دست استعمارگران بزرگ هدایت نمود. در واقع مردمی بودن و وابسته نبودن اندیشه دکتر شریعتی نسبت به جریان‌های سیاسی اجتماعی عصرش سبب حفظ محبوبیت این اندیشمند بزرگ در دل مردمان روزگار پس از اوست. او در آثارش دغدغه‌هایی مانند فقر، تبعیض و نا آزادی را بدون ترس بیان می‌کرد و همچنین با سفر به کشورهای مختلف با شناخت فرهنگ دیگر جوامع، پالایش منابع فرهنگی را در خلال صفحات کتابش به مردم می‌آموخت. عمق ارتباط مخاطبین با کتاب‌های شریعتی نشان از تأثیرگذاری او در جامعه است. شریعتی با حفظ زبان فارسی به‌عنوان زبان دین، ملیت، قومیت و اندیشه ایرانی تأکید داشت و از سویی با دو مفهوم غرب‌گرایی و غرب‌گریزی مخالف بود و معتقد بود باید روی شناخت فرهنگ غرب و فرهنگ خود تمرکز داشت. علی شریعتی مردی که با وارد کردن نگاه جامعه‌شناسی به حوزه دین، موجی از زبان جدید در دنیای جوانان تشنه اسلام پدید آورد، این زبان تازگی‌هایی داشت که به تسلط دکتر شریعتی در حوزه ادبیات و هنر مربوط می‌شد. چراکه او تحصیلات دانشگاهی ادبیات فارسی داشت و بر زبان‌های عربی و فرانسه احاطه داشت؛ مجموع این‌ها او را دارای قابلیت‌هایی کرده بود که بتواند با نسل نوجو و آرمان‌خواه زمان خود گفت‌وگو کند. شریعتی از جمله نویسندگان دردآشنا و میان - مردمی بود که مثلث آرمان‌شهر رستگاری از منظر او شامل سه قطب: آزادی، برابری و عرفان بود و مثلث شوم تاریخ: تزویر، زور و زر.

شریعتی، یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی عصر انقلاب اسلامی به شمار می‌رود که گرچه هیچ‌گاه در روزگار به ثمر رسیدن انقلاب نزیست اما سایه^۴ فکری او در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی دوران انقلاب مرزبندی مشخصی با اندیشه‌های دیگر داشت. با وجود اشعار و متون ادبی قابل توجه، علی شریعتی در دوره خود به عنوان شخصیتی قابل توجه در ادبیات شهره نبود؛ اما نباید از نظر دور داشت که شریعتی با برداشته‌های نو و ذوقی خود، کلماتی را به حوزه ادبیات دینی و اجتماعی تزریق کرد که این کلمات نشانگر تحول در گفتار و گفتمان این نویسندگان بود. مفهوم تعهد به آرمان‌ها، آزادگی قلم و هنر در انتظار موعود به‌عنوان نگاه او به فلسفه هنر در پی به خدمت گرفتن ادبیات در راستای آرمان‌های مهم وی قرار داشت. آرمان‌گرایی در ادبیات چه محصول مکتب شریعتی باشد و چه معلول عوامل دیگر، از سید شهیدان اهل‌قلم، شهید آوینی یا قیصر امین‌پور و حلقه حوزه هنری، تجلیات گوناگونی داشته است. آرمان‌گرایی در ادبیات باید زمینه‌ای مناسب برای حرکت روبه‌جلوی

نسلها را فراهم کند و این نگاه مقوم نقاط قوت و از بین برنده نقاط ضعف در مهندسی فرهنگی - اجتماعی باشد، چیزی که تلاشهای فرهنگی شریعتی و دیگر اندیشمندان هم‌عصر او بر آن متمرکز شد و به نتیجه رسید. «زر، زور و تزویر» که تکیه‌کلامش شده بود و موضع اقتصادی، فکری و سیاسی‌اش را در مقابله با این سه قطب مشخص می‌کرد، خود یک ترکیب ادبی است که آگاهانه انتخاب شده است.

بستر سیاسی ادبیات دکتر شریعتی

دکتر علی شریعتی مردی که غیرمذهبی‌ها او را نادیده می‌گرفتند، روحانیان او را سرزنش می‌کردند و رژیم شاه او را مجازات کرد، تأثیرگذاری‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌پرداز اسلام سیاسی چپ در ایران و یکی از چهره‌های مشهور اسلام سیاسی در جهان اسلام به شمار می‌رود، ایشان قرائتی از اسلام ارائه می‌دهد که از آن در ادبیات سیاسی به‌عنوان اسلام انتقادی یاد می‌کنند. اندیشمندان سیاسی از القاب متعددی برای خطاب قرار دادن ایشان استفاده می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان از ولتر انقلاب ایران، مردمی‌ترین مبلغ رادیکالیسم اسلامی و ایدئولوگ انقلاب ایران نام برد. این ولتر یا ایدئولوگ انقلاب، ذهنی مملو از اندیشه‌های بحث‌برانگیز داشت که به خاطر همین اندیشه‌ها در کانون توجهات قرار گرفت. بازگشت به خویشتن به‌عنوان گفتمان اصلی شریعتی، راه‌حلی بود که ایشان به جامعه تجویز می‌کرد. این گفتمان در حوزه سیاسی چاره‌ای بود برای نسلی که از استبداد به تنگ آمده بود و لیبرالیسم را به دلیل سیاست‌های امپریالیستی و استعماری دولت‌های غربی و ابتذال اخلاقی این جوامع شایسته سرزنش می‌دانست و مارکسیسم را به دلیل ماهیت ماتریالیستی و ضدیتش با مذهب نکوهش می‌کرد. بازگشت به خویشتن همچنین راه‌حلی برای معضل موجود در جامعه روشنفکری بود که افرادی مانند جلال آل احمد ضمن اذعان به این معضل، از درمان آن عاجز بودند. آل احمد غربزدگی را به‌عنوان گرفتاری اجتماعی روشنفکران ایران با بیانی ادیبانه بیان می‌کرد ولی راه‌حلی برای درمان آن نداشت. در اینجا بود که شریعتی بازگشت به خویشتن را مطرح کرد. ایشان بازگشت به خویشتن را این‌گونه توصیف می‌کند: «هنگامی‌که ما از بازگشت به ریشه‌های خود سخن می‌گوییم در واقع از بازگشت به ریشه‌های فرهنگی خود حرف می‌زنیم. ممکن است بعضی از شما به این نتیجه برسید که ما ایرانیان باید به ریشه‌های نژادی (آریایی) خود بازگردیم. من این نتیجه‌گیری را قاطعانه رد می‌کنم. من با نژادپرستی، فاشیسم و بازگشت ارتجاعی مخالفم. نکته مهم‌تر آنکه تمدن اسلامی همچون قیچی عمل کرده و ما را از گذشته پیش از اسلام به‌کلی بریده است. نتیجه آنکه برای ما

بازگشت به ریشه‌هایمان به معنای کشف دوباره ایران پیش از اسلام نیست بلکه به معنای بازگشت به ریشه‌های اسلامی ماست.» (نک: بروجردی، 1377: 172)

با نفوذترین چهره روشنفکری دهه 50 یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که شریعتی با ورود به آن حساسیت‌های زیادی را برانگیخت، حوزه سنت و مدرنیته بود. در حقیقت ایشان با ورود به گفتمان مدرنیته قدم در راهی گذاشت که راه سوم لقب گرفت. راهی که نه سنت است و نه مدرنیته بلکه نقد آن دو است. در این راه هم روشنفکران مورد تخطئه قرار می‌گرفتند و هم سنت‌گرایان. روشنفکران متجدد از این‌جهت مورد انتقاد قرار می‌گیرند که به‌عنوان کارگزاران غرب، هیچ‌گاه نمی‌توانند با واقعیات جامعه خودسازگار شوند و بدین‌جهت نمی‌توانند مردم را رهبری کنند. سنت‌گرایان هم چون مدرنیته را به دیده منفی می‌نگرند، در جهت شناخت آن قدمی بر نمی‌دارند و به دستاوردهای مهم و پیشرفت علوم و فن‌آوری مدرن هیچ‌گونه توجهی نداشتند، مورد انتقاد ایشان قرار می‌گیرند. شریعتی از طریق انتقاد همزمان از مدرنیته و مذهب سنتی، جنبه‌های مثبت و منفی هر دو طرف را دسته‌بندی کرده و آمیزه‌ای از مفاهیم این دو مقوله به وجود آورده است که با در اختیار قرار دادن آن‌ها به روشنفکران و نسل جوان، به بسیج آنان در برابر رژیم دست زد.

بازسازی او از معانی و نهادهای اسلامی چون امامت، شیعه، تقیه و غیره در پرتو مجموعه‌ای از انگاره‌های مدرن چون آزادی، روشنفکری، استعمار و غیره به‌صورت نیرومحرک‌ای پر قدرت در بسیج روشنفکران و نسل درس‌خوانده جوان در برابر رژیم شاه در نیمه دوم دهه پنجاه درآمد. شریعتی در برابر دو طیف روحانیت و روشنفکران موضع‌گیری داشت و معتقد بود که اسلام هم باید از جنبه تئوریک و هم از جنبه سازمانی مورد بازسازی قرار گیرد. او این نکته را مطرح می‌کرد که مشعل رهبری باید از دست روحانیت به روشنفکران انتقال یابد. از نظر ایشان بزرگ‌ترین مسئولیتی که روشنفکران دارند این است که علت‌های واقعی انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه خویش را کشف کنند اما نکته مهمی که در ارتباط با روشنفکران مطرح می‌سازد این است که اینان باید خود را از روشنفکران اروپایی متمایز کنند. شریعتی می‌کوشید تا اسلام را به‌عنوان یک ایدئولوژی جامع و انقلابی معرفی کند و برتری‌های آن را نسبت به ایدئولوژی‌هایی نظیر مارکسیسم و لیبرالیسم بیان کند. دکتر شریعتی از دو نوع اسلام یاد می‌کرد:

1- اسلام به‌عنوان ایدئولوژی یعنی دینی که مسائل اعتقادی آن سلاخی است برای ترقی نوع انسان؛ این نوع اسلام ابودرها می‌سازد، مجاهد و

روشنفکر می‌سازد و یک اسلام کاربردی است.

2- اسلام به‌عنوان فرهنگ، مجموعه‌ای از معارف و دانش‌هایی است از قبیل کلام، عرفان، اصول فقه و غیره که مجتهد پرور است و امثال بوعلی سینا و فارابی را می‌سازد.

درمجموع ایشان باعرضه کردن اسلام شیعی در قالب یک ایدئولوژی، انقلابی مدرن را در عرصه تفکر و روشنفکری باز کرد. مقصود شریعتی از خویشتن، هنگامی‌که بازگشت به خویشتن را مطرح می‌کند، آن خویشتنی است که اسلام بنا نهاده است اما نه اسلامی که ساخته و پرداخته فقها، مجتهدین و سازمان روحانیت است؛ بلکه اسلامی که ساخته روشنفکران هست و ایدئولوژیک است. در نظر ایشان این‌گونه اسلام است که پیشرفت دهنده است و جامعه و افراد را مترقی می‌سازد. در سایه این تعریف از اسلام است که مفاهیمی چون تشیع، انتظار و غیره در ادبیات ایشان مفهوم خاصی پیدا می‌کند. اگر آل احمد بانفوذترین چهره روشنفکری در دهه چهل بود، بدون شک شریعتی در دهه پنجاه این جایگاه را به خود اختصاص داد. او به‌عنوان روشنفکری مسئول، رسالت خود یعنی نجات انسان و جامعه را با قلم و کلام سحرانگیزش به‌خوبی به پایان رسانید. دکتر شریعتی شناختی عمیق و دقیق از ماهیت استعمار، امپریالیسم و همچنین اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه خویش داشت و با آگاهی کامل، کار بازسازی اندیشه‌های دینی را آغاز کرد و بیان و قلم هنرمندانه خود را جهت تحقق آرمان‌های اسلام به کار گرفت. در این راستا اسلام و اهل‌بیت و تشیع را آن‌گونه که شایسته بود به مردم شناساند و آنان را با هویت فرهنگی خویش آشنا ساخت. وی سعی کرد جوانان تحصیل‌کرده را از خودباختگی و غربزدگی و همچنین از گرفتار شدن به مکتب‌های نوپایی چون ماتریالیسم، ناسیونالیسم و ... نجات دهد. او از هرکس که خطا و ضعفی می‌دید صریح ابراز می‌داشت. به‌عنوان نمونه او آخوندهای درباری و علمای متحجر و توجیه‌کننده حکومت را که به مسئولیت خود پایبند نبودند و زمینه جهل و انحراف امت اسلام را فراهم می‌آوردند موردانتقاد قرار داد. او آزادی را بدون سرمایه‌داری، عدالت را بدون دیکتاتوری و عرفان را بدون آخوندیسم می‌خواست. دکتر شریعتی از ملامت‌ها و آخوندهای درباری که با تضاد در گفتار و کردار خود موجب فقر و تسلط بیگانگان بر کشور شده‌اند سخت انتقاد کرده است و آنان را در کنار سلاطین ظلم و جور قرار داده است، او همچنین عالمان دینی را که به دربار پادشاهان رفت‌وآمد داشتند و آنان که لباس اهل علم و روحانیت شیعه را غصب و به تن کرده و آبروی مذهب را برده‌اند به‌شدت موردانتقاد قرار داد. بازتاب چنین صراحت‌ها و بی‌پروایی‌ها آن بود که گروهی به خطا رفته و وی را با جعل کتاب‌ها و آثارش مخالف اسلام ولایت اهل‌بیت معرفی

می‌کردند؛ این در حالی است که او تمام آثار خود را در خدمت ولایت قرار داده بود. همچنین آخوندهای درباری ظاهر اندیش سخن وی را نوعی روحانی ستیزی شمردند. این تعبیر نادرست سبب شد که گروهی تلاش کنند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وی را مقابل جمهوری اسلامی قرار دهند. سیمای دکتر شریعتی و ارزش خدمت‌های بزرگی که در جهت روشنگری و بیداری ذهن مسلمانان و گرایش آنان به سوی اسلام انجام داد در پس پرده^۱ ابهام قرار گرفته است. این‌گونه مسائل نشان‌دهنده^۲ تأثیر عمیق مکتب فکری و اعتقادی دکتر شریعتی در تحول روحی و دگرگون کردن شیوه^۳ تفکر مردم است. او با آگاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی به دنبال ارائه تعریفی نوین از دین بود. دینی که تاجر دست و پای آن را بسته بود. او در دفاع از حق و حقیقت و آگاهی و بیداری جامعه سرسخانه و بسیار تلاش کرد. آثار و تألیفات سرشار از اندیشه و آگاهی وی نشان‌دهنده^۴ همین امر است. شهید راه آگاهی و اندیشه‌های مردمی، دکتر علی شریعتی از جمله نویسندگان مسئول و متعهدی بود که با تشخیص دردها و نیازهای مردم زمان و نیز آگاهی از اوضاع نابسامان اجتماعی با زبان و قلمی هنرمندانه در پی ایجاد تغییر و تحول و انجام اصلاحات فرهنگی در جامعه بود. شریعتی در این زمینه فعالیت‌های بسیاری را به ثمر رساند تا آنجا که جان خویش را نیز در این راه فدا کرد. سرشت انقلابی و عدم سازشگری با ریاکاران، زرمندان و زورمندان باوجود او آمیخته شده و در تمام آثارش نمود پیدا کرده است. دکتر شریعتی با نثر بیدارکننده و واقعیت‌گرای خود، روحیه^۵ مقاومت و استبداد ستیزی و رهایی از چنگال استبداد و استثمار و استثمار را به مردم انتقال می‌دهد. وی در این راستا با انتشار کتاب‌ها و ایراد سخنرانی‌ها در پی آن بود که مردم را از خواب غفلت بیدار کند و چهره^۶ واقعی بنیان‌کنان را به مردم بشناساند، سپس زمینه را برای براندازی تسلط ظالمانه و جبارانه آنان فراهم کند و باعث رشد و شکوفایی فکری و فرهنگی مردم شود. شریعتی از نمادها و سمبل‌ها در بیان دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی‌اش استفاده می‌کرد. بسیاری از حرف‌های سیاسی را بدون آن‌که مستقیماً بگوید، گفته است. در بازجویی‌ها و گزارش‌های ساواک به این موضوع اشاره کرده‌اند که اکثر افرادی را که بازداشت می‌کردیم، کتاب‌های شریعتی را خوانده بودند. شریعتی از جمله روشنفکران متعهدی بود که خواهان برقراری عدالت در بین تمام انسان‌ها، برداشتن تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی و برخورداری از تمامی نعمت‌های الهی است. او نفی‌کننده^۷ انحصارطلبی، زراندوزی، سود طلبی، مصرف پرستی، اشرافیت و استکبار بود. او با رسیدن به مرحله آگاهی و خودآگاهی و درک جهان اطراف خویش، از دیدن نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها بسیار رنج

می‌برد و بر این اساس با نشر کتاب‌ها و ایراد سخنرانی‌ها در پی رفع این ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها بود.

بستر ادبی آثار علی شریعتی

بسیاری از افراد جامعه علی شریعتی را به‌عنوان اندیشمندی جامعه‌شناس و اسلام‌شناس می‌شناسند و از جنبه‌های ادبی آثار وی کمتر آگاه‌اند؛ اما او پیش از اینکه متفکری جامعه‌شناس باشد، نویسنده‌ای برجسته و هنرمندی توانا است. دکتر شریعتی نویسنده‌ای محتوا گراست و هدف او از نگارش آثار گوناگون القای اندیشه‌ها و افکار خود به خوانندگان است. هرچند او به‌صورت و فرم اثر نیز توجه داشته و به‌خوبی از عهده^۴ پروردن هر دو برآمده است. شریعتی شاعری توانا و باذوق است و در آثار خود به‌صورت پراکنده اشعار زیبا و دل‌نشینی را به‌کار برده است.

* نثر ادبی علی شریعتی: شریعتی قلم توانایی داشت و از ابزارهای ادبی به‌تناسب موضوع، گاه تیز و انتقادی و گاه نرم و شاعرانه بهره می‌گرفت. به همین دلیل است که شریعتی را در شمار مفاخر و مشاهیر معاصر و مبدع نثر تحقیقی - انتقادی می‌دانند. در آثار وی عبارات نوساخته^۵ بسیاری که حاصل ذهن خلاق و مبتکر اوست به‌کاررفته به‌طوری‌که در نثر بیشتر نویسندگان معمولی یافت نمی‌شود. او در انتخاب واژه‌ها برای بیان مفاهیم ذهن خود حساسیت و دقتی خاص داشت و می‌کوشید واژه‌هایی در زنجیره^۶ گفتار خود به‌کاربرد که توانایی انتقال بار معنای اندیشه‌های او را داشته باشد. نثر آثار دکتر شریعتی از نظر ویژگی‌های فکری درون‌مایه‌ای، دربردارنده^۷ مضامین مختلف اجتماعی سیاسی ادبی تاریخی و عرفانی است.

* سبک ادبی علی شریعتی: سبک نوشتاری او از نمونه سبک‌های تأثیرگذار بر جامعه تحصیل‌کرده^۸ عصر حاضر به‌شمار می‌رود، ازجمله عوامل مهم سبک‌ساز آثار شریعتی شکستن هنجارها و شیوه‌های معمول و متداول زبان معیار است. خروج از شیوه‌های معمول و متداول زبان معیار سبب نوعی برجستگی زبانی در آثار شریعتی شده است. این ویژگی سبکی در قالب عنوان‌هایی چون واژه‌های کهنه و قدیمی، نوآوری در واژگان تعبیرات غیرمتعارف، واژه‌های عامیانه و ... ارائه‌شده است. هرچند به لحاظ سبکی همواره تمایلش به درازنویسی بود، اما گاهی از این میل همیشگی خود فاصله می‌گرفت و به نفع موضوع و مخاطب، جملات را کوتاه و ساده می‌نوشت؛ البته او در تمام متونی که سخن را طول و تفصیل داده نیز کلامش همیشه توأم با توصیفات زنده، جاندار و اغلب شاعرانه است. این سبک غالباً^۹ ویژگی نوشته‌هایی از او است که به یک موضوع محدود می‌شود؛ اما آنجا که اظهارنظرهایش را بیان

می‌کند، به‌سادگی و روشن‌گویی و گاهی نیز به زبان کنایه‌گرایش دارد.

* جنبه‌های ادبی علی‌شریعتی: آشنایی دکتر شریعتی با بزرگان ادب پارسی در خلاقیت‌های ادبی‌اش مشهود است. یکی از جنبه‌های ادبی او را در نام‌گذاری کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش می‌توان دید. نام‌گذاری‌های او (مانند کتاب: آری این‌چنین بود برادر) جدید و باسلیقه^۴ ادبی صورت گرفته‌اند. اسطوره‌شناسی شریعتی تأثیر بسزایی در شخصیت فکری و ادبی او داشته است. از این‌جهت او را می‌توان یک اسطوره‌شناس دانست. اسطوره‌های ایران باستان و نیز اسطوره‌های یونان باستان و ملل دیگر حتی در ادیان شرقی را به‌خوبی می‌شناخت و از آنان بهره می‌برد. سخنرانی‌های دکتر شریعتی در زمان تبدیل متن گفتاری به متن نوشتاری، کمتر نیاز به ویرایش داشتند. کم هستند کسانی که دارای چنین ویژگی‌هایی هستند.

* تنوع آثار علی‌شریعتی: آثار او با توجه به تنوعی که دارد در 36 مجموعه گردآوری‌شده و دربردارنده^۵ سخنرانی‌ها، اجلاس‌ها، گفتگوهای خصوصی با بعضی از شخصیت‌های بزرگ، نامه‌ها و گفتگوهای تنهایی است. این آثار از جهت فصاحت و بلاغت و نیز از لحاظ صورت و محتوا در جایگاه خود برجسته و به کمال است. او یکی از نویسندگانی است که در زمینه‌های گوناگون به تألیف آثار پرداخته است. برخی از آثار شریعتی به گفته^۶ خودش نامه‌هایی به هیچ‌کس است؛ با این ویژگی هرکسی می‌تواند مخاطب آن باشد. در واقع زمانی که مخاطب خاصی برای کتاب تعریف شود، همگان نمی‌توانند از آن بهره‌مند گردند.

در کتاب «انسان» شریعتی به تبیین مسئله^۷ انسان و رابطه‌اش با اسلام، آزادی، تاریخ و همچنین به تبیین و تحلیل دیدگاه اسلام درباره انسان در مقایسه با دیدگاه مکتب‌ها جهان‌بینی‌های مغرب زمین به‌ویژه اگزیستانسیالیسم و مارکسیسم پرداخته است. او به تبیین و تحلیل مکتب‌های مختلف مغرب زمین پرداخته است. دکتر شریعتی در این کتاب عنوان کرده است که تمام مکتب‌ها به‌جز اگزیستانسیالیسم انسان را مجبور و بی‌اراده می‌دانند. شریعتی با نگارش این کتاب و با ارائه^۸ تصویری روشن و شفاف از مکتب‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف که از انسانیت سخن می‌گویند نسل جوان را در انتخاب مکتب و مذهبی که شایستگی هدایت آنان را داشته باشد راهنمایی کرده است. نگارش این اثر در این راستا یعنی جهت‌بخشی گرایش جوانان و نیز مردم به‌سوی مکتب و مذهبی حیات‌بخش جزو اهداف اصلاح‌گرانه^۹ وی بوده است. آثار انتقادی شریعتی که همگی را با آگاهی بر زندگی و آثار سرآمدان زمان خود می‌نوشت، سرشار از نفوذ و زیبایی کلام است. شریعتی در کنار استفاده از عبارات و واژگان فارسی سره که مخصوص اهل‌قلم است،

لغات عامیانه نیز به کار می‌برد تا نوشته‌اش برای عموم مردم نیز قابل‌فهم باشد. یکی از زمینه‌های ادبی شریعتی ترجمه‌های اوست. اولین اثر ترجمه‌ای را که باراهنمایی پدرش، استاد محمدتقی شریعتی انجام داده بود، کتابی از «جوده السحار» به نام «ابوذر» بود. شریعتی در زمینه^۴ ترجمه کتاب‌هایی از عربی به فارسی و نیز از فرانسه به فارسی و بالعکس در کارنامه^۵ خود دارد. این جنبه که او به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه مسلط بود، به قوت ادبی‌اش کمک کرده است. دکتر علی شریعتی به دلیل جملات قصار، متن‌های ادبی کوتاه و جملات بسیار زیبا، معروف است. کتاب‌های شریعتی در ایران و همچنین کشورهای خاورمیانه طرفداران بسیاری دارد. بیشک او را می‌توان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار بر ادبیات فارسی در قرن اخیر دانست. ادبیات دینی و انقلابی، مرهون سبک ادبی شریعتی است.

*آرایه‌های ادبی در نوشتار علی شریعتی: آنچه سبب می‌شود برخی آثار علی شریعتی را تغزلی، خطابی و تعلیمی (از نوع نثر خواجه عبدالله انصاری) بدانند، آشنایی کافی او با موسیقی درونی یا صنایع بدیع لفظی و نیز برجسته ساختن این صنعت در کلام است. شریعتی به موسیقی نثر نیز به‌خوبی توجه کرده به‌طوری‌که انواع آرایه‌های لفظی و بدیعی را در آثار خود به‌کاربرده است. او در آثار خویش از ابزارهای بیانی چون تشبیه، مجاز، کنایه، رمز و از صنایع بدیع معنوی چون تضاد، طنز، ضرب‌المثل و... استفاده کرده که بسامد آن‌ها در هر کتابی متفاوت است. صنعت تکرار که شریعتی گاه در آثار ادبی‌اش بسیار از آن بهره گرفته، قاعده‌ای در سبک نوشتارش بود که با کمک آن کلامش را آهنگین می‌کرد و ساختار نثرش را منسجم. نویسنده خوش‌ذوقی چون علی شریعتی با داشتن طبعی شاعرانه و روحی حساس و همچنین با آگاهی از دو دانش جامعه‌شناسی و ادبیات فارسی توانست بود در عرصه^۶ خلق زیباترین، عمیق‌ترین و باشکوه‌ترین نمادها موفق و سربلند از صحنه بیرون آید. همچنین وی در عرصه^۷ نمادسازی در دوره^۸ معاصر بسیار برجسته و ماهرانه عمل کرده است. نوشتار شریعتی هم ایجاز دارد و هم اطناب:

«من همه تلاشم این است که حرفم را بزخم و همه ترسم این است که آن را بد بفهمند. این است که آن‌همه شرح و بسط می‌دهم و بازهم خیلی‌ها بد می‌فهمند و اما در آنجاها که می‌بینید مسئله‌ای را چند بار تکرار کرده‌ام می‌خواهم بگویم که من جز این هیچ حرف دیگری ندارم؛ بقیه همه حاشیه است. مثلاً زر، زور و تزویر هر جا که جز تکرار این سه، حرف دیگری زده‌ام، پشیمانم.»

برخی ویژگی‌های ادبی آثار شریعتی

* تاریخی نگری: شریعتی به لحاظ ادبی تا حدی لحن تاریخ گرایانه دارد و این تاریخی گری بیشتر در به‌کارگیری واژه‌ها خودنمایی می‌کند. البته او متعلق به زمان گذشته است اما تفاوت زبان نسل گذشته و نسل اکنون به اندازه^۴ تفاوتی که در سیاق کلام شریعتی دیده می‌شود، نیست. ساختار جمله‌های او بیشتر به نثر سده‌های 4 تا 6 هجری به‌ویژه نثر حدود العالم و تاریخ بیهقی نزدیک می‌شود اما در عین حال شیوا و روان است چون کاملاً نامتعارف نیست.

* تاریخ‌گریزی: شریعتی با صراحت، زمان و مکان را به هم می‌ریزد و با اشاره به زمان‌ها و مکان‌های مشابه، تمام تاریخ‌ها و فضاها را از زمان و مکان مشخص و واقعی جدا می‌کند.

* نو واژگان: این دست واژگان تازه به‌وضوح در کتاب «کویر» دیده می‌شوند. به این سبب که معنای کانونی آن‌ها هنوز قوام نیافته و در ذهن گویشوران جا نیفتاده و وارد واژگان زبان نشده است. در نتیجه تفسیرپذیرتر از واژه‌های دیگرند و معنایی پویاتر دارند و قادرند عمق معنایی بیشتری به متن بدهند. گرچه درباره^۴ آن‌ها نیز تغییر معنایی چه به شکل هم‌زمانی یعنی گسترش معنایی و استعاره‌سازی و چه به شکل درزمانی امکان‌پذیر است.

* زنجیروارگی: در کتاب‌های شریعتی تکرار صفت‌ها و اسم‌ها ضرباهنگی خاص به متن داده است و برجسته‌سازی زنجیروار متن با جمله‌های بلندی که پی‌درپی به‌صورت هم‌پایه یا موصولی به هم پیوند می‌خورد بیشتر و بیشتر می‌شود؛ زیرا خواننده اسم‌ها، صفت‌ها، قیدها، فعل‌ها و درنهایت بندها، جمله‌ها و حتی پاراگراف‌ها را پیوسته می‌خواند، نه با وقفه^۴ ایستای نقطه، بلکه تنها با عطف «و»، «که»، «کاما» و مانند آن‌ها. این است که اثر، ذهن خواننده را برمی‌انگیزد و پیوسته می‌کوشد تا برداشت خود را بر خواننده تحمیل کند. چراکه این تکرار باعث برجسته شدن سازه‌ها و عناصر مدنظر نویسنده می‌شود.

* لایه‌لایه نویسی: نویسنده مقصود خود را در لایه‌های مختلف از طریق رسیدن به منظوره‌های آغازین پدیدار می‌کند. صدق و کذب گزاره بر صدق و کذب گزاره بعدی اثر می‌گذارد.

* رد پای ادبی علی شریعتی: تاکنون محققان و اسلام‌شناسان زیادی در کتاب‌های خویش از شخصیت‌های تاریخی مانند حضرت زینب و پیامبر و ... یاد کرده‌اند اما علی شریعتی با قلم توانا و ذوق ادبی سرشار خود دست به ابتکار زده و به شکلی تازه و در قالب مفاهیم و واژگانی جدید از آنان یاد کرده است. شیوه^۴ نویسندگی علی شریعتی با توجه به نوآوری‌ها و ابتکارهایی که در سه سطح ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی دارد، الگویی در عرصه^۴ نویسندگی در میان سایر نویسندگان به شمار می‌رود؛ از این‌رو می‌توان او را از جمله نویسندگان برجسته دوره معاصر

به شمار آورد. حسین‌علی قبادی در مقاله‌ای تحقیقی درباره نمادهای به‌کاررفته در آثار دکتر شریعتی اذعان داشته شعر شاعرانی چون موسوی گرما رودی، سلمان هراتی، نصرالله مردانی، قیصر امین پور، حسن حسینی و محمدرضا عبدالملکیان را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که این شاعران در سطح نمادپردازی و بیان مفهوم و مدلول همگی از آثار شریعتی تأثیر پذیرفته‌اند. همچنین علی معلم به‌عنوان شاعر انقلاب با تأثیرپذیری از آثار شریعتی، واژه‌ها و مفاهیم نمادینی چون امت و امامت، هجرت و شهادت و ... را در آثار خود به‌کاربرده است. به‌طورکلی می‌توان گفت که تمام آثار دکتر شریعتی که به‌ظاهر پراکنده می‌نماید، در یک راستا و بامعنای رمزی مشخص نوشته‌شده‌اند. معنای رمزی آن‌ها بازگشت به خویشتن خویش است و جویای حقیقت، معرفت و کمال انسانی بودن است.

سخن پایانی

اگر نوشته‌های معاصر را به‌پیش از شریعتی و پس از شریعتی تقسیم کنیم، مشاهده می‌کنیم که در آثار پیش از شریعتی، نویسندگان سعی بر این داشتند که نزدیک به زبان عامه، برای همه فهم بودن آثارشان بنویسند و این انتقاد و زیر ذره‌بین قرار دادن اوضاع اجتماعی و قلم به شکوه رقصانیدن، پیش از شریعتی آغاز شده بود اما بعد از تجلی این شخصیت، یک‌قدم فراتر نهاده شد. ادبیات این نویسنده^۴ معاصر که وسیله‌ای برای اهداف عظیم او بود، این جسارت را به ادیبان پس از خود داد که تنها گارد گرفتن کافی نیست و باید ضربه را فرود آورد. شریعتی را اگر می‌توانستند می‌خریدند تا مدح قدرت کند و چون نتوانستند، از کارش جلوگیری کردند، زندانی‌اش کردند تا از کشور خود گریخت. متأسفانه اکنون هم کسانی مانند شریعتی همین سرنوشت را دارند. با این حال آنان که در تاریخ ما ماندگار می‌شوند، اهل فرهنگ به معنای عام خود هستند که ادیبان را هم در برمی‌گیرد و شریعتی چهره‌ای فرهنگی است و ماندگار. اکنون کتاب‌های ادبی دکتر شریعتی جزء پرفروش‌ترین‌ها هستند. جوانانی که امروز می‌خواهند شریعتی را بشناسند، معمولاً^۵ به سراغ اسلام‌شناسی و شیعه او نمی‌روند، بلکه آثار ادبی‌اش را مطالعه می‌کنند. درزمینه^۶ هنر نیز سخنرانی‌ها و نوشته‌های شریعتی بن‌مایه‌های ادبی قوی‌ای دارد. بخش دیگری از آثار شریعتی که می‌توان نیوغ ادبی او را در آن‌ها دید، نامه‌های اوست که زیبایی‌های ادبی‌اش، آن‌ها را خواندنی‌تر کرده است. برای مثال در یکی از این نامه‌ها خطاب به پسرش چنین نوشته است: «پسرم اگر می‌خواهی که گرفتار هیچ دیکتاتوری نشوی، بخوان و بخوان و بخوان.»

منابع

احمدی، حمید (1380)؛ شریعتی در جهان: (مجموعه مقالات ترجمه‌شده)، تهران، شرکت سهامی انتشار

بروجردی، مهرزاد، (1377)؛ روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه^۶ جمشید شیرزادی، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز

پدرام، مسعود، (1382) روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، تهران، ناشر گام نو

حسینی زاده، سید محمدعلی (1386)؛ اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید

نیکان‌دیش، زهره، (1388)، نقد و تحلیل سبک‌شناختی آثار برگزیده^۶ دکتر علی شریعتی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)

عنایت، حمید (1362)؛ اندیشه^۶ سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه^۶ بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی

(سایت‌های قابل‌دسترس: پایگاه اینترنتی پژوهشکده باقرالعلوم، «اندیشه^۶ سیاسی شریعتی» نوشته^۶ سید ابوالحسن توفیق‌یان، و سایت: Wikiadabiat.net/index.php)